

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

گزارشها	Reports
---------	---------

گزارشگران پورتال- افغانستان
۰۴ مارچ ۲۰۱۳

در افغانستان چه می گذرد؟

(۱۹۵)

برای رهائی از پیامد های کثیف استعمار بر فرهنگ و زبان توده ها، راهی جز طرد اشغالگران وجود ندارد.

فیصله شورای وزیران دولت پوشالی کابل مبنی بر حذف واژه های بیگانه از زبان های رسمی (دری و پشتو) در افغانستان اشغالی، بیشتر یک شوخی تلخ تاریخی است تا حمایت و تقویت واقعی زبان های رسمی در کشور ما. با اشغال افغانستان در ۷ اکتوبر ۲۰۰۱، نه تنها ماشین جنگی و نظامی اشغالگران حریص امریکائی و ناتوئی از زمین و هوا خاک ما را مورد تاخت و تاز قرار دادند و هزاران هموطن ما را به خاک و خون کشیدند، بلکه هم زمان زیر بنا و روبنای کشور ما نیز مورد هجوم هیولای سرمایه قرار گرفت. با حمایت مستقیم اشغالگران غربی، دولت پوشالی کابل با به رسمیت بخشیدن به اقتصاد لجام گسیخته و انارشی زده بازار آزاد، حمایت همه جانبه خود را از غارت کشور ما اعلان نمود و از این طریق میدان را برای دلالان سرمایه و مافیای ثروت و قدرت، شغالی ساخت و زمینه غارت بیشتر از ۹۵ درصد از توده های زحمتکش و ستمدیده ما را برای اقلیت ۵ درصدی مفت خور فراهم نمود.

طرح کشیدن افغانستان به دام تیوری جامعه مدنی از فردای اشغال کشور ما با تصویب قوانین «آزادی» رسانه های تصویری، صوتی و چاپی و «آزادی» بیان توسط دولت پوشالی کابل، در اولویت کار استعمارگران قرار گرفتند تا از این طریق زمینه را برای تسخیر اذهان توده ها و روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا که وسیله ای برای انعکاس دیدگاه ها و نظریات خود داشتند، فراهم نمایند. البته نیرو های مترقی و انقلابی برای تبلیغ و ترویج اندیشه های شان هیچ گاه منتظر آزادی هائی از نوع بورژوائی نمی مانند و از هر وسیله ای برای اشاعه افکار شان استفاده می نمایند. اشغالگران چنان که می خواستند فضا را برای نموی موجود فلاکت زده ای به نام جامعه مدنی بورژوائی مساعد نمودند و قسماً به این مأمول دست یافتند. امروز استعمار از طریق نشر برنامه های ده ها تلویزیون خصوصی، ده ها رادیو و صد ها نشریه چاپی برای تداوم استعمار کشور ما روزانه صد ها هزار کلمه را به خورد زحمتکشان ما می دهند تا بلکه بتوانند از این طریق نیز زمینه تداوم حضور خود را بیشتر از پیش میسر گردانند.

اضافه شدن کلمات و واژه های زبان بیگانه چون پروپوزل، ریکویست، اچ آر، فند، کانسیپت، اسپیشل فورس و ده ها کلمه دیگر به شکل بی رویه و سرسام آور در زبان های رسمی افغانستان، یکی از پیامد های زننده اشغال است که هر

انسان این مرز و بوم آن را با پوست و گوشت خود احساس می نماید، تا جایی که شورای وزیران دولت پوشالی و مزدور کابل که خود شان روزانه ده ها بار این کلمات را در مکالمات و نوشته های شان استفاده می نمایند ناگزیر به وزیرک مسخره اطلاعات و فرهنگ خود دستور حذف این کلمات را از زبان های رسمی کشور دادند.

با آنکه استفاده از کلمات بیگانه در زبان های رسمی یک کشور می تواند از پویایی و تکامل این زبان ها بکاهد و آنها را به زبان های غیر فعال مبدل نمایند، اما در وضعیت فعلی درد توده های زحمتکش و ستمدیده کشور ما این معضله نیست.

استعمارگران، افغانستان را بعد از یازده سال به کشوری مبدل نموده که در صدر فاسد ترین کشور های جهان قرار دارد، کشوری که بیشتر از ۹۰ درصد مواد مخدر دنیا را تولید می کند، اضافه از ۹ میلیون انسان آن با فقر مزمن دست و پنجه می کنند، مهاجرت های اجباری برای پیدا کردن کار افزایش بی سابقه یافته، فحشاء، بیکاری، شکاف عمیق طبقاتی و بوی دود و باروت فضای آن را گرفته و هر روز ده ها انسان این کشور در بمباران های اشغالگران و حملات انتحاری طالبان جاهل و وابسته به خاک و خون کشیده می شوند و در نهایت افغانستان را دوزخی برای توده های آن ساخته اند.

مردم ما بیشتر از هر زمانی، امروز به استقلال ضرورت دارند، استقلالی که در آن دیگر نه پایگاه های نظامی امپریالیزم امریکا و سایر اشغالگران در آن وجود داشته باشند و نه دولت پوشالی و دست نشاندۀ بر گرده های مردم ما سوار باشند.

توده های زحمتکش ما برای رهائی از این دوزخ و رسیدن به دولت مردمی و دموکراتیک راهی جز اتحاد و همبستگی با نیرو های آزادیخواه و مترقی به منظور مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران غربی و خروج بی قید و شرط آنها ندارند.

کرزی «امر» خروج نیرو های ویژه اشغالگران امریکائی را از میدان وردک صادر کرد

سر دسته دولت پوشالی کابل در پی رفتار غیر انسانی و وحشیانه اشغالگران امریکائی علیه توده های ستمدیده و زحمتکش ولایت میدان وردک، «امر» خروج این نیرو ها را از آن ولایت صادر کرد. این «تصمیم» بعد از آن گرفته شد که مردم این ولایت به صورت دوامدار با قتل، شکنجه، توهین و تحقیر از طرف عساکر خالکوبی شده امریکائی مواجه گردیده و این جنایات به صورت وسیعی انعکاس یافتند.

این که آیا امریکائی ها به این «دستور» دست نشانده خود ارزشی قائل اند و نیرو های ویژه ای خود را از میدان وردک بیرون می کنند، بر می گردد به اهدافی که خود آنها دارند. در صورتی که امریکائی ها واقعاً تصمیم به ترک میدان وردک گرفته باشند، مطمئناً قبل از آن این وضعیت را زمینه سازی نموده تا فضا را برای ترک این منطقه آماده نمایند، در غیر آن دست نشانده های ارگ ریاست جمهوری «امر» خروج نیرو های خاص امریکائی از میدان وردک را گذاشته که حتی صلاحیت اخراج یک نفر از محافظین تا دندان مسلح «اسپیشل فورس» امریکائی شان را از ارگ ریاست جمهوری ندارند.

موضوع مطرح بحث این است که برای اشغالگران امریکائی تهدید ها، اخطار ها، اشک تمساح ریختن ها و امر های کاغذی کرزی ارزشی نداشته و جنایتکاران امریکائی مطابق برنامه های از قبل تنظیم شده در پنتاگون، ستراتیژی آسیائی خود را در افغانستان تعقیب می نمایند. جابه جایی نیرو های اشغالگر از یک گوشه به گوشه دیگر در افغانستان هیچ گاهی به خواست، تقاضا و «امر» یا «دستور» دولت دست نشانده کابل صورت نمی گیرد.

اینگونه «تصمیم» دولت پوشالی کابل در واقع خاک به چشم مردم زدن است و می خواهد «استقلالیت» خود را به نمایش بگذارد، اما این دست نشانده های غرب غافل از این اند که مردم رنجور و داغیده ما در جریان تجاوزات و

اشغالگری های چهل سال گذشته تجارب زیادی اندوخته و به انسان های مجرب سیاسی مبدل گردیده اند و هیچ گاه به خطا نمی روند و باور دارند که تنها اتحاد و همبستگی توده های ستمدیده و زحمتکش با نیرو های آزادیخواه و مرفعی می توانند به معنی واقعی کلمه این اشغالگران جنایتکار را از سرزمین آبائی شان سر افکنده بیرون اندازند.

«هوشدار» محقق به کرزی از «تصمیم» خروج نیرو های ویژه امریکائی از میدان وردک

عده ای از کاسه لیسان اشغال «دستور» اخیر کرزی مبنی بر خروج نیرو های ویژه امریکائی از میدان وردک را نادرست خوانده و «هوشدار» می دهند که کرزی «تصمیم» احساساتی گرفته و خروج نیرو های خارجی از میدان وردک باعث تشدید جنگ های داخلی در این ولایت می گردند. از جمله این کاسه لیسان، یکی هم محمد محقق رهبر حزب وحدت اسلامی «مردم» افغانستان است که در پهلوی دم تکان دادن به استعمارگران، چتلی ولایت فقیه رژیم فاشیستی ایران را نیز سر می کشد. این جاسوس دوسره و جنایتکار حرفه ئی می گوید که در صورت خروج نیرو های خارجی از ولایت میدان وردک، در فصل بهار این ولایت به سرعت به دست طالبان سقوط می کند!! او که جز نوک بینی خود جائی را دیده نمی تواند، فکر می کند که واقعاً کرزی توان مخالفت با سیاست های امپریالیستی امریکا را دارد و می تواند بدون اجازه بادرانش تصمیم بگیرد!!؟! البته وارخطائی محقق از سقوط میدان وردک در واقع ترس از دست رفتن «فرصت طلایی» را در وجود او تداعی می کند و این «تصمیم» کرزی او را سرگیجه ساخته است.

محقق با دیده دارائی رابطه ثبات و عدم ثبات در افغانستان را مستقیماً با طول مرز های افغانستان با کشور های ایران و پاکستان می داند!! به گفته این جنایتکار، چون افغانستان با ایران نسبت به پاکستان مرز کوتاه تر دارد، نقش ثبات و عدم ثبات ایران بر امنیت در افغانستان ۲۰ درصد است و معکوس آن چون افغانستان با پاکستان مرز طولانی تر دارد، بنابر این نقش پاکستان در ثبات و عدم ثبات امنیت در افغانستان ۶۰ درصد است!!!

این جاسوس جنایتکار با این تحلیل خود قصد دارد که بادران ایرانی اش را از دخالت در امور افغانستان تبرئه نماید، در حالی که دولت های ضد مردمی ایران و پاکستان هر یک به نوبه خود در جریان چهار دهه گذشته تا توانستند خاک ما را به توبره کردند. این همسایه های حریص، طماع و جنایتکار با پروراندن جاسوس های زیاد جنایات نابخشوندی به توده های زحمتکش کشور ما روا داشتند.